

مسعود جعفرزاده

خود فقط می‌تواند تنها بخش محدودی از نیازهای خود را رفع نماید. کلیه امکانات در هر جامعه را می‌توان در سه موضوع زیر خلاصه کرد:

۱- زمین

۲- کار

۳- سرمایه

سه مورد بالا، اصطلاحاً منابع یا عوامل

تولید خوانده می‌شود.

منظور از زمین، کلیه زمینهای کشاورزی و غیر کشاورزی، معادن و ذخایر نهفته در زمین، آبهای سطحی و زیرزمینی، جنگلها و به طور کلی امکانات و ذخایر زیرزمینی و روزمینی است. منظور از عامل کار کلیه نیروی کار جامعه اعم از نیروی کار فکری یا دستی است. مدیریت که کاری فکری و تخصصی است جزو نیروی کار جامعه قرار می‌گیرد. ولی برخی از صاحب نظران به سبب اهمیت روزافزون مدیریت، آن را به عنوان عاملی جداگانه و منبعی از منابع تولید جامعه محسوب می‌دارند.

منظور از سرمایه نیز کلیه اشکال سرمایه اعم از منابع پولی (چه پول ملی و چه پول خارجی) یا سرمایه ثابت مانند ماشین آلات، ساختمانها، تاسیسات، تجهیزات و امکانات زیربنایی است ولی به طور معمول همان منابع پولی مورد نظر می‌باشد.

هر جامعه برای رفع نیازهای خود، با استفاده از منابع و عوامل خود به تولید کالاها و خدمات می‌پردازد.

کالا هر چیز ملموسی است که از تولید حاصل می‌شود و به مصرف بشر می‌رسد. کالا را می‌توان از مصرف کننده‌ای به مصرف کننده دیگر انتقال داد و یا مصرف آن را به تأخیر انداخت. اما خدمت کالای غیر ملموسی است

منظور بهبود عملکرد اقتصادی.

علم اقتصاد از نظر محدوده بررسی مسائل و پدیده اقتصادی به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱- اقتصاد خرد

۲- اقتصاد کلان

### اقتصاد خرد

اقتصاد خرد، بررسی رفتار اقتصادی اجزاء کوچک اقتصاد یعنی افراد، خانواده‌ها، بنگاهها و موسسات است.

هدف اساسی اقتصاد خرد، شناخت نحوه تخصیص کل منابع یک جامعه به مصارف مختلف است. از این رو، بازار مفهوم محوری اقتصاد خرد به شمار می‌آید.

مثالهایی برای اقتصاد خرد: بررسی تغییرات قیمت گوشت، بررسی واردات گندم، بررسی صادرات فرش، بررسی هزینه‌ها و درآمدها و سود یک شرکت.

### اقتصاد کلان

اقتصاد کلان، بررسی اقتصاد در سطح کلی جامعه و یا گروههای جامعه است. مهمترین موضوعات مورد بررسی اقتصاد کلان، تجزیه و تحلیل عوامل تعیین کننده متغیرهای زیر و تعیین میزان تغییر آنها طی زمان است.

تعریف و محدوده علم اقتصاد: بشر در زندگی مادی خود با معادله زیر روبروست:

خواستهها و نیازهای بشر و امکانات موجود او به عبارت دیگر امکانات موجود در هر جامعه بسیار کمتر از خواستهها و نیازهای افراد آن جامعه است. از این رو هر جامعه در هر دوره معین و تحت شرایط خاص

به طور خلاصه علم اقتصاد را می‌توان به شکل زیر تعریف کرد:

علم اقتصاد مطالعه و شناخت روشهای استفاده از منابع کمیاب (زمین، کار و سرمایه) برای تولید کالاها و خدمات گوناگون و توزیع آنها بین افراد جامعه به منظور مصرف است.

روشهای کاربرد منابع کمیاب، روشهای ترکیب عوامل تولید و نحوه تخصیص منابع تولید بین گزینه‌های گوناگون (تولید کالاها و خدمات گوناگون) است.

علم اقتصاد می‌کوشد به ۳ مسأله زیر پاسخ گوید:

۱- به چه مقدار تولید شود؟

۲- تولید توسط چه کسانی و با استفاده از چه منابعی و با کدام روش فنی انجام شود؟

۳- برای چه کسانی تولید شود؟

بدیهی است چنانچه مقدار عوامل و منابع تولیدی نهایت بود، مسائل بالا هیچگاه مطرح نمی‌شد.

علم اقتصاد را مانند سایر علوم می‌توان به دو بخش عمده تقسیم کرد:

۱- اقتصاد نظری

۲- اقتصاد کاربردی

در اقتصاد نظری، اصول، قوانین و نظریات اقتصادی بررسی می‌شود.

در اقتصاد کاربردی نحوه استفاده از اصول، قوانین و نظریات اقتصادی برای حل مشکلات اقتصادی بررسی می‌شود.

بنابراین از علم اقتصاد به دو گونه استفاده می‌شود: اول استفاده از اصول و قوانین و نظریات اقتصادی برای تشریح و تبیین مسائل اقتصادی مانند تولید، تورم، درآمد، مصرف و غیره و پیش‌بینی سیر آنها در آینده، دوم یافتن راه‌حلهای مسائل اقتصادی به

که به محض ارائه آن توسط خدمات‌دهنده، گیرنده، خدمت (مصرف‌کننده) آن را مصرف می‌کند. فرق دیگر خدمت با کالا آن است که خدمت را نمی‌توان از مصرف‌کننده‌ای به مصرف‌کننده دیگر انتقال داد.

از نمونه خدمات می‌توان از خدمات آموزشی، بهداشتی، پزشکی، دفاع، پژوهش و تجارت نام برد.

از آنجا که مقدار زمین، کار و سرمایه در هر جامعه و در دوره معین و تحت شرایط خاص آن جامعه، در برابر خواستها و نیازهای آن، کمیاب محسوب می‌شود، افراد جامعه ناگزیر از یافتن و به کار بردن روشهایی برای صرفه‌جویی منابع خود هستند.

در واقع علم اقتصاد از همین مسأله کمیابی عوامل تولید و ضرورت صرفه‌جویی آنها مفهوم پیدا می‌کند. به عبارت دیگر کار علم اقتصاد، مطالعه روشهای صرفه‌جویی عوامل کمیاب است و با این روشها، مهمترین خواستها انتخاب می‌شود و عوامل تولید برای تولید کالاها و خدمات به نحوی اختصاص می‌یابد تا بیشترین و مهمترین خواستها تامین گردد. از این رو کمیابی عوامل تولید مهمترین مسأله اقتصادی است.

- درآمد ملی

- سرمایه‌گذاری کل

- اشتغال عمومی

- سطح عمومی قیمتها

- حجم نقدینگی کل

- تراز پرداختها

- توزیع درآمد

- بحران و یا رونق اقتصادی

مثالهایی در مورد اقتصاد کلان:

بررسی سطح عمومی اشتغال و بیکاری در جامعه، بررسی تورم و روند آن، بررسی عوامل تعیین‌کننده نرخ ارز، بررسی وضعیت تجارت خارجی کشور در گذشته و پیش‌بینی روند آن در آینده، بررسی تاثیرات مالیاتها بر قدرت خرید مردم، شناخت وضعیت و روند صادرات و واردات کشور در دوره‌ای معین، تجزیه و تحلیل‌های کلان اقتصادی منجر به تصمیم‌گیریها و سیاست‌گذارهای اقتصادی در سطح گروهها و یا جامعه می‌گردد.

علم اقتصاد به شاخه‌های متعددی تقسیم می‌شود مانند:

- اقتصاد پول و بانکداری

- اقتصاد مالیه عمومی

- اقتصاد رشد و توسعه

- اقتصاد رفاه

- اقتصاد بین‌الملل

- اقتصاد منابع تولید

- اقتصاد کار

- اقتصاد ریاضی

- اقتصاد کشاورزی

- اقتصاد صنعتی

- اقتصاد بازرگانی

- اقتصاد جمعیت

- اقتصاد آموزش

- اقتصاد نفت

- اقتصادسنجی

- نظامهای اقتصادی

- تاریخ عقاید اقتصادی

### تقاضا

تقاضا عبارتست از تمایل به خرید و کسب کالا یا خدمتی خاص، به طوری که تقاضاکننده توان مالی آن را داشته باشد.

از تعریف بالا نتیجه می‌گیریم که تقاضا با نیاز فرق دارد زیرا در نیاز، شخص نیازمند ممکن است توانایی خرید کالا یا خدمت موردنیاز را نداشته باشد.

اصطلاح مصرف نیز به معنی آن مقدار تقاضایی است که در بازار عملاً تبدیل به خرید کالا یا خدمت شده است.

مقدار تقاضا برای یک کالا یا خدمت با مقدار قیمت آن رابطه عکس دارد، هر قدر قیمت کالا یا خدمتی بالا رود، تقاضا برای آن پایین می‌آید و هر قدر قیمت آن پایین آید، تقاضا برای آن بالا می‌رود.

### عرضه

مقدار کالا یا خدمتی که برای فروش به قیمتی معین به بازار ارائه می‌شود تا در دسترس خریدار قرار گیرد.

در تعیین عرضه عوامل بسیاری دخالت دارند. اولین و مهمترین عامل تعیین‌کننده مقدار عرضه و قیمت کالا است هر چه قیمت بیشتر باشد، چون سودآوری عرضه‌کننده یا تولیدکننده را بیشتر می‌کند، عرضه کالا بیشتر خواهد شد. سایر عوامل موثر بر عرضه،

هزینه تولید، قیمت سایر کالاها، مالیاتها، سوبسیدها و غیره است.

اهمیت مفهوم عرضه آن است که همراه با تقاضا، قیمت و مقدار کالای مبادله شده در بازار را معین می‌کند.

### کالای مصرفی

کالاهایی که عمدتاً به مصرف‌نهایی افراد و خانواده‌ها می‌رسد، کالاهای مصرفی نام دارند. کالاهای مصرفی از نظر دوام و مدت زمان مصرفشان به دو گروه عمده تقسیم می‌شوند:

۱- کالای مصرفی بی‌دوام

۲- کالای مصرفی بادوام

### کالای مصرفی بی‌دوام

کالاهایی مصرفی که معمولاً در دوره کمتر از یک سال کاملاً مصرف شوند، کالاهای مصرفی بی‌دوام نامیده می‌شوند. کالاهای مصرفی شامل انواع خوراکی‌ها، پوشاک، سوخت، دارو و شوینده‌ها و غیره است.

### کالای مصرفی بادوام

کالاهای مصرفی بادوام کالاهایی مصرفی هستند که دوره مصرفشان بیش از یک سال و معمولاً چند سال است مانند: انواع لوازم خانگی، خودرو و خانه شخصی.

### کالای سرمایه‌ای

کالاهایی که برای تولید کالاها و خدمات جدید به کار می‌روند و عمر اقتصادی آنها بیش از یک سال است، کالاهای سرمایه‌ای بشمار می‌آیند. مانند: ماشین‌آلات، تاسیسات و ساختمان.

### کالای واسطه

کالاهای واسطه کالاهایی هستند که به عنوان مواد اولیه برای تولید سایر کالاها مستقیماً به مصرف می‌رسند مانند انواع مواد شیمیایی، انواع مصالح ساختمانی و انواع مواد اولیه کشاورزی.

### بازار

هر شبکه‌ای که در آن خرید و فروش

کالاها و خدمات صورت گیرد بازار نامیده می شود. بازار لزوماً به مفهوم محلی مادی و شخصی نیست، مثلاً خرید و فروشی که از طریق تلفن انجام می گیرد دلالتی بر محلی خاص ندارد. همراه با پیشرفت تکنولوژی مفهوم سنتی بازار یعنی مکانی مادی و مشخص دستخوش تغییر گردیده است. امروزه با رشد شبکه های اطلاعاتی رایانه ای خریداران و فروشندگان تقریباً در سراسر جهان می توانند با یکدیگر تماس برقرار نمایند و کالاها و خدمات را مبادله کنند.

### اقتصاد بازار آزاد

اقتصاد بازار آزاد یا به طور خلاصه اقتصاد بازار، نظامی اقتصادی است که در آن تخصیص منابع و عوامل تولید صرفاً توسط قیمت های بازار انجام می گیرد. قیمت های بازار نیز از مبادلات اختیاری بین عرضه کنندگان و مصرف کنندگان تعیین می شود. به عبارت دیگر تصمیم گیری های اقتصادی در نظام بازار آزاد توسط افراد و گروه های مستقل از یکدیگر یعنی بخش خصوصی صورت می گیرد و بخش دولتی در آن نقشی ندارد. نظام اقتصاد بازار اصطلاحاً نظام سرمایه داری نیز خوانده می شود. چنان چه در کنار تصمیم گیری های بخش خصوصی، بخش دولتی نیز در تصمیم گیری های اقتصادی دخالت جوید، آن گاه نظام اقتصادی را، اقتصاد مختلط خوانند.

### پول

هر چیزی که از طرف مردم یک جامعه به عنوان واسطه مبادله و واحد ارزش کالا های دیگر باشد، پول به شمار می آید. در زمان حاضر پول عبارت است از مجموع مقادیر اسکناس، مسکوکات و حساب جاری است. پول = مقدار کل اسکناس + مقدار کل مسکوک + مقدار حساب جاری

### شبه پول

شبه پول از مقادیر حساب های پس انداز و حساب های مدت دار تشکیل می شود. شبه پول = مقدار کل حساب پس انداز

+ مقدار کل حساب های مدت دار

### نقدینگی

نقدینگی هر کشور مجموع مقادیر پول و شبه پول آن کشور است. نقدینگی = پول (اسکناس + مسکوکات + حساب جاری) + شبه پول (حساب های پس انداز + حساب های مدت دار)

### بازار سرمایه

بازار سرمایه بازاری است که در آن وجوه لازم برای سرمایه گذاری بلندمدت یا سرمایه گذاری ثابت وام داده می شود. بازار سرمایه در هر کشور شامل نهادها و موسساتی مانند بورس سهام و اوراق بهادار، بانکها و شرکت های بیمه و تامین اجتماعی است.

بازار های سرمایه در کشورهای پیشرفته صنعتی کاملاً توسعه یافته اند ولی در کشورهای در حال توسعه، بازار سرمایه ضعیف است زیرا در این کشورها پس انداز اندک مانع بزرگی در راه گسترش سرمایه گذاریهاست. از این رو دولت ها و صاحبان صنایع در کشورهای در حال توسعه ناگزیرند برای کسب سرمایه به بازار های بین المللی روی آورند. قابلیت خرید و فروش اوراق بهادار مانند سهام شرکتها و یا اوراق قرضه یکی از عوامل عمده در کارایی بازار سرمایه هر کشور به شمار می آید.

### تورم و انواع آن

فرآیند افزایش مداوم سطح عمومی قیمت ها به طوری که سبب کاهش قدرت خرید شود، تورم خوانده می شود. در تعریف بالا چند نکته قابل اهمیت است:

۱- افزایش مداوم سطح عمومی قیمت ها

بنابراین افزایش مقطعی قیمت ها و در زمانی کوتاه، تورم به حساب نمی آید.

۲- افزایش مداوم سطح عمومی قیمت ها

تورم، افزایش مداوم قیمت تمام و یا اکثر کالا های جامعه است. بنابراین افزایش قیمت چند کالا، تورم محسوب نمی شود.

۳- افزایش سطح عمومی قیمت ها، به طوری که سبب کاهش قدرت خرید شود. تورم به حساب می آید. چنانچه نرخ افزایش سطح عمومی قیمت ها برابر با نرخ افزایش متوسط بهره وری کار و آن هم برابر با نرخ افزایش دستمزدهای پولی باشد، تورم به حساب نمی آید. زیرا نه قدرت خرید پایین آمده است و نه بهره وری کار بلکه همه با نرخ یکسان افزایش یافته اند.

### ریشه های تورم

تورم دارای علل متعددی است که همه آنها را می توان در دو دسته از علل خلاصه نمود.

- ۱- تورم فشار تقاضا
- ۲- تورم فشار هزینه

### ۱- تورم فشار تقاضا

هر گاه تقاضای کل از عرضه کل کالاها و خدمات بیشتر گردد و منابع تولید نیز در حداکثر ظرفیت استفاده شود تورم ناشی از فشار تقاضا پدید خواهد آمد.

### ۲- تورم فشار هزینه

این نوع تورم مستقل از تقاضا و صرفاً در اثر افزایش هزینه های تولید و یا خدمات پدید می آید. افزایش دستمزدها، افزایش سود عرضه کنندگان کالا، افزایش قیمت مواد اولیه، افزایش قیمت کالاها و خدمات موجب پیدایش تورم فشار هزینه خواهد شد.

### انواع تورم

تورم دارای شدت های متفاوت است، از این نظر می توان آن را به سه گروه طبقه بندی کرد:

- ۱- تورم ملایم
- ۲- تورم شتابان
- ۳- تورم سرکش

زمانی که قیمت ها به کندی در حال افزایش و نرخ آن کمتر از ۱۰ درصد باشد، تورم ملایم روی می دهد. این نوع تورم معمولاً تورمی عادی تلقی می شود زیرا مسائل چندانی را موجب نمی گردد. وجود تورم ملایم در اقتصاد می تواند موجب تشویق تولید و در

نتیجه رونق اقتصادی گردد.

### تورم شتابان

هنگامی که قیمت‌ها با نرخ‌های ۲ یا ۳ رقمی مانند ۲۰، ۱۰۰ یا ۲۰۰ درصد در سال شروع به افزایش نماید، تورم شتابان پدید می‌آید.

با پیدایش تورم شتابان، نابسامانی‌های شدید اقتصادی بروز می‌کند. در چنین شرایطی پول داخلی به سرعت ارزش خود را از دست می‌دهد، مردم از نگهداری پول مازاد بر نیازهای مبرم خود پرهیز می‌کنند و به خرید کالا، خانه و سایر وسایلی که ارزش پول را حفظ کند، می‌پردازند.

### تورم سرکش

در این نوع تورم، قیمت‌ها آن چنان فوق‌العاده افزایش می‌یابد که روابط عادی اقتصادی از هم می‌گسلد و موجب تضعیف سرسام آور ارزش پول می‌گردد و سرانجام به فروپاشی کل نظام اقتصادی می‌انجامد.

چنین تورمی به ندرت روی می‌دهد و معمولاً در دوره جنگ‌ها و یا پس از آن بروز می‌کند، مانند تورمی که در طول سالهای ۲۳-۱۹۲۰ در آلمان رخ داد.

شاخص قیمت‌ها در آلمان از ۱ به ۱۰ میلیارد افزایش یافت. ارزش مارک آلمان در این دوره به طور بی‌سابقه‌ای تنزل نمود و به یک میلیارد ارزش کمتر از دوره مذکور رسید.

تورم‌های مشابهی نیز در یونان، چین و مجارستان پس از جنگ جهانی دوم رخ نمود.

### رکود و تورم اقتصادی و تعریف آن رکود اقتصادی

رکود عبارت است از کاهش شدید تولید، مصرف، سرمایه‌گذاری، اشتغال و تجارت. در نتیجه رکود، درآمدها، قیمت‌ها، حقوق و دستمزد و سطح قدرت خرید کاهش شدید پیدا می‌کند.

### رونق اقتصادی

در دوره رونق برخلاف دوره رکود، فعالیت‌های اقتصادی شدت می‌یابد دوره

رونق معمولاً با افزایش تولید، سطح بالای سرمایه‌گذاری به ویژه در زمینه ایجاد ظرفیتهای تولیدی جدید، بسط اعتبارات، افزایش قیمت‌ها، بیکاری اندک، اشتغال کامل و افزایش قابل توجه ایجاد شرکتهای اقتصادی مشخص می‌شود.

### رکود تورمی

رکود تورمی پدیده‌ای است که در آن همزمان با بیکاری و کاهش بازدهی اقتصاد، تورم وجود داشته باشد. تا پیش از دهه ۱۹۷۰، بیشتر اقتصاددانان اعتقاد داشتند که در شرایط بیکاری تورم کاهش می‌یابد، زیرا وقتی ظرفیتهای تولیدی دچار رکود باشد، دستمزدها و قیمت‌ها روبه کاهش می‌گذارند. همچنین به علت پایین بودن حجم فعالیت‌های اقتصادی، مقدار سود نیز کاهش می‌یابد که به نوبه خود موجب تشدید رکود ظرفیتهای می‌شود. سرمایه‌گذاری کمتر و رشد پایین تر بازدهی اقتصادی با میزان تورم کمتری همراه خواهد بود. اما بعد از افزایش شدید قیمت نفت، در سالهای ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹، پدیده رکود تورمی اقتصاد جهان را در بر گرفت. زیرا افزایش هزینه تولید از یک طرف موجب تورم شد و از طرف دیگر موجب کاهش تولید گردید.

### تراز پرداختها و تراز تجاری

تراز پرداختها یا موازنه ارزی یک کشور، جدولی است که مبادلات بدهکار و بستانکار آن کشور با کشورهای دیگر و سازمانهای بین‌المللی را به صورتی شبیه حسابهای درآمد و مخارج شرکتهای نشان می‌دهد.

این مبادلات به صورت دو گونه حساب نمایش داده می‌شود:

- ۱- حساب جاری
  - ۲- حساب سرمایه
- حساب جاری دو بخش دارد:  
این حساب شامل دو بخش است:  
۱-۱- تجارت مرئی یعنی صادرات و واردات کالاها

۲-۱- تجارت نامرئی یعنی درآمد و مخارج خدماتی مانند بانکداری، بیمه، جهانگردی، کشتیرانی و سود دریافتی از ظرفهای خارجی و بهره‌های پرداختی به آنها

### حساب سرمایه

این حساب شامل کلیه مبادلات سرمایه به داخل و خارج کشور است. مبادلات سرمایه شامل سرمایه‌گذار، وامها و کمکهای بین‌المللی است.

چنانچه جمع جبری حاصل از ارقام کلیه حسابها مثبت باشد، کشور با مازاد تراز پرداختها و چنانچه منفی باشد با کسری تراز پرداختها مواجه است.

### تراز تجاری

تراز تجاری یا موازنه تجاری تفاوت بین ارزش کالاهای صادراتی و وارداتی یک کشور است. اگر در یک دوره حسابداری ارزش کل واردات کشور از ارزش کل صادرات بیشتر باشد، کسری تراز تجاری خواهیم داشت.

در اقتصاد گسترده و به شدت مرتبط جهان امروز، تراز تجاری به تدریج مورد استفاده کمتری می‌یابد. زیرا نشان دهنده نقل و انتقالات سرمایه و پرداخت برای خدمات نیست. از طرف دیگر تراز پرداختها، وضعیت مبادلات یک کشور با جهان خارج را بهتر می‌نمایاند و از این رو مورد استفاده بیشتر می‌یابد.

### ارز و نرخ برابری ارز

ارز پول خارجی است مانند دلار، یورو، پوند، مارک، روبیه، روبل و غیره  
نرخ ارز یا نرخ برابری ارز، قیمت پول یک کشور است بر حسب پول کشورهای دیگر، مثلاً نرخ برابری یک دلار آمریکا نسبت به ریال حدود ۸۰۰۰ ریال است.

بسیاری از کشورها، نرخ پول خود را بر حسب پول کشور دیگری که عمدتاً دلار آمریکا و یا یورو اروپاست تعریف می‌کنند.

نرخ ارز مانند کالاهای دیگر با عرضه و تقاضای آن تعیین می‌شود. یعنی اگر تقاضا برای آن بیشتر از عرضه آن شود، قیمت آن افزایش و بر خلاف این، قیمت آن کاهش می‌یابد.

چنانچه کشوری سیاست تثبیت نرخ ارز را در پیش گیرد، قیمت پول آن کشور در مقابل قیمت سایر پولها به خصوص پول کشوری که دارای بیشترین رابطه تجاری است ثابت

نگهداشته می‌شود.

در سیاست نرخ ارز شناور در یک کشور، نرخ برابری ارز بسته به تغییرات عرضه و تقاضای ارز در آن کشور، تغییر می‌یابد: به طور مثال در صورت فزونی تقاضا بر عرضه ارز، قیمت ارز خارجی بالا می‌رود و ارزش پول کشور پایین می‌آید.

### چه موقع و چرا کشوری ارزش پول خود را تقلیل می‌دهد؟

وقتی کشوری دچار کسری تراز پرداختها باشد و این وضع به طور مزم ادامه یابد، کاهش نرخ برابری ارزی یکی از سیاستهایی است که به طور گسترده برای تثبیت اقتصادی به خصوص در کشورهای در حال توسعه به کار گرفته می‌شود. در اثر این سیاست، قیمت کالاها و وارداتی افزایش و قیمت کالاها و صادراتی کاهش می‌یابد. نتیجه این سیاست به کاهش کسری تراز پرداختها منجر می‌شود.

وقتی مشکلات ساختاری و اقتصاد کشورهای در حال توسعه مانع از تاثیر مثبت این سیاست بر عدم تعادل در تراز پرداختها می‌گردد، یکی از علل این امر، عدم توانایی بسیاری از کشورهای در حال توسعه در گسترش صادرات و یا کاهش واردات است.

وابستگی شدید این کشورها به واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات خارجی موجب افزایش قیمت کالاها و تولید داخلی برای صادرات می‌شود. به عبارت دیگر هزینه تولید داخلی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بستگی مستقیمی به قیمت‌های وارداتی دارد.

### تولید ناخالص ملی و درآمد ناخالص ملی

ارزش پولی کلیه کالاها و خدمات نهایی تولید شده توسط عوامل تولید یک کشور در طول یک سال، تولید ناخالص ملی (GNP) نامیده می‌شود.

کل درآمدهای عوامل تولید (کل حقوق و دستمزد و اجاره بها و بهره و سود) متعلق به اتباع یک کشور در طول یک سال نیز درآمد ناخالص ملی (GNI) خوانده می‌شود.

تولید ناخالص ملی که با درآمد ناخالص ملی برابر است، معیار قدرت اقتصادی هر کشور به شمار می‌آید در واقع زمانی که صحبت از رشد اقتصادی یک کشور می‌شود منظور نرخ رشد تولید ناخالص ملی یا درآمد ناخالص ملی آن کشور در یک دوره معین است.

در GNP یا GNI، استهلاک سرمایه‌ها نیز به حساب آمده است. چنانچه جمع کل استهلاک سرمایه‌ها از مقادیر مذکور کسر شود، تولید خالص ملی و یا NNP یا به طور اختصار تولید ملی یا درآمد ملی به دست می‌آید.

### تولید ناخالص داخلی

ارزش کل تولید کالاها و خدمات نهایی توسط عوامل تولید مقیم یک کشور (عوامل داخلی و عوامل بیگانه که در آن کشور به سر می‌برند) در طول یک سال، تولید ناخالص داخلی GDP خوانده می‌شود.

### رابطه بین تولید ناخالص ملی و تولید ناخالص داخلی

در هر کشوری ممکن است خارجیان نیز کار کنند یا سرمایه‌گذاری داشته باشند، پس قسمتی از تولید ناخالص داخلی آن کشور عاید آنان می‌شود. از طرف دیگر کشور مذکور نیز ممکن است خارج از مرزهای خود سرمایه‌گذاری داشته باشد و یا اتباع آن در خارج مشغول به کار باشند و در نتیجه بخشی از حقوق و دستمزد و بهره و سود و یا اجاره بها به کشور مذکور انتقال یابد. در این صورت برای محاسبه تولید ناخالص ملی به شکل زیر عمل می‌شود:

(منهای) - تولید ناخالص داخلی GDP  
(به اضافه) + کل پرداختی به عوامل تولید خارجی مقیم در کشور  
دریافتی از عوامل تابع کشور که در خارج از کشور شاغل هستند.  
(مساوی) = تولید ناخالص ملی  
GNP

### ارزش افزوده

ارزش افزوده در هر فعالیت اقتصادی عبارت است از تفاوت بین ارزش کالاها و

خدمات تولید شده و ارزش کالاها و بکار رفته در جریان تولید (منهای) - ارزش کالاها و تولید شده ارزش مواد اولیه و کالاها و واسطه‌ای

(جمع) ارزش افزوده

به عبارت دیگر ارزش افزوده کل پرداختی به عوامل تولید به کار رفته در فعالیت اقتصادی مذکور است. کل پرداختی به عوامل تولید بکار رفته یعنی:

کل حقوق و دستمزد (پرداختی به نیروی کار)

+ (به اضافه)

کل اجاره بها (پرداختی به زمین)

+ (به اضافه)

کل سود (پرداختی به سرمایه)

+ (به اضافه)

کل بهره (پرداختی برای وام)

کل پرداختی‌ها به عوامل تولید بکار رفته یا ارزش افزوده تولید و کالاها و خدمات مورد نظر

### تشکیل سرمایه ثابت

تشکیل سرمایه ثابت، عبارت است از کل ارزش کالاها و سرمایه‌ای که در طول یک سال به موجودی کالاها و سرمایه‌ای جامعه افزوده شود.

کالاها و سرمایه‌ای که بخش عمده سرمایه گذار بها در یک کشور را تشکیل می‌دهد شامل اقلام زیر است:

- ماشین‌آلات و تجهیزات

- تأسیسات: برق آب، شبکه سوخت، شبکه مخابرات، گرمایش و سرمایش، فاضلاب

- ساختمانها و راهها، باغها

- وسایط نقلیه

تشکیل سرمایه ثابت، یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی است که می‌تواند نشانه تحرک و پویایی یک اقتصاد به منظور افزایش تولید کالاها و خدمات در دوره‌ای معین باشد.

### قیمت جاری و قیمت ثابت

چنانچه در محاسبه ارزش کالاها و خدمات در سالی معین از قیمت همان سال استفاده شود، ارزش کالاها و خدمات به

قیمت جاری به دست می‌آید. اما اگر نوسان قیمت‌ها در طول زمان حذف شود، ارزش کالاها و خدمات به قیمت‌های ثابت سال پایه محاسبه می‌شود.

### شاخص قیمت

شاخص قیمت، نشان‌دهنده نوسان قیمت کالاها و خدمات تولید شده توسط هر یک از بخش‌های اقتصادی در سال مورد بررسی نسبت به قیمت مشابه در سال پایه است.

از شاخص‌های قیمت برای حذف نوسان قیمت‌ها در محاسبات ملی و لذا برای تبدیل قیمت‌های جاری به قیمت‌های ثابت استفاده می‌شود.

### تعدیل اقتصادی

منظور از اصطلاح تعدیل اقتصادی که امروزه در کشور ما بکار می‌رود، تعدیل ساختاری در اقتصاد است، تعدیل ساختاری اعمال مجموعه‌ای از سیاست‌ها برای ایجاد تغییرات بنیادی در وضعیت تخصیص منابع جامعه به منظور ایجاد تعادل عمومی در اقتصاد جامعه تعدیل ساختاری شامل مجموعه سیاست‌های زیر است:

الف - تثبیت اقتصادی

ب - آزادسازی

- مقررات زدایی

- خصوصی سازی

### سیاست تثبیت اقتصادی

سیاست‌هایی که دولت برای کاهش نوسانات درآمد ملی به کار می‌گیرد، اصطلاحاً سیاست‌های تثبیت اقتصادی نامیده می‌شود.

زمانی که اقتصاد کشور به نقطه اوج رونق نزدیکتر می‌شود و دستمزدها و قیمت‌ها روبه افزایش می‌گذارد واردات بر صادرات پیشی می‌گیرد و کسری تراز پرداختها بروز می‌کند، دولت با محدود کردن تقاضای کل و فعالیتهای اقتصادی می‌کوشد نوسانات اقتصادی را کاهش دهد و وضع اقتصاد را ثبات بخشد.

همچنین هنگامی که اقتصاد کشور به نقطه نهایی رکود نزدیکتر می‌شود و بیکاری

و سود رو به افزایش می‌گذارد، دولت با دامن زدن به فعالیتهای اقتصادی سعی در تعدیل نوسانات اقتصادی می‌نماید.

در روند تثبیت اقتصادی، سیاست پولی و سیاست مالی از ابزارهای اصلی محسوب می‌شود.

### آزادسازی و مقررات زدایی

حذف محدودیتها و مقررات اعمال شده توسط دولت بر جوانب مختلف اقتصاد و آزادگذارن نیروهای بازار برای تخصیص مجدد منابع تولید به منظور افزایش کارایی فعالیتهای اقتصادی اصطلاحاً آزادسازی خوانده می‌شود (به طور مثال در آزادسازی تجاری، با حذف محدودیتها و مقررات و تعرفه‌های واردات و صادرات و آزاد کردن نرخ ارز)، نظر بر این است که حمایت از تولیدات خاص حذف و شرایط رقابتی بر تولیدات داخلی حاکم شود و نهایتاً صادرات توسعه یابد. از دیگر ابعاد آزادسازی، حذف حمایت‌های دولتی از برخی شرکتهای (مانند تخصیص ارز یا ارائه انواع یارانه به آنها) به منظور برقرار کردن شرایط رقابت بازار و بهبود کیفیت تولیدات است.

در آزادسازی قیمت‌ها نیز، هرگونه قیمت‌گذاریهای دولتی حذف می‌گردد تا مکانیسم بازار از طریق عرضه و تقاضا، قیمت‌ها را خود به خود تعیین نماید.

در آزادسازی پولی هدف این است که دخالت‌های دولت در تعیین مصنوعی نرخ بهره و یا سایر پدیده‌های پولی حذف شود تا عامل تعیین کننده نیروهای بازار باشد.

### خصوصی سازی

واگذاری بخشی یا همه وظایف، یا مدیریت و یا مالکیت شرکتهای و بنگاههای دولتی به بخش خصوصی به منظور بهبود تخصیص منابع تولید، خصوصی سازی خوانده می‌شود.

این واگذاری ممکن است به صورت اجاره و یا انتقال مالکیت باشد. بنابراین خصوصی سازی اشکال مختلف دارد و فقط به معنی انتقال قطعی مالکیت دولتی بنگاهها و شرکتهای به بخش خصوصی نیست. اجرای خصوصی سازی مستلزم تغییرات

اساسی در قوانین و مقررات ناظر بر عملکرد شرکتهای داخلی و خارجی و قوانین تجارت یک کشور و تغییر حاکم بر دولت و مردم جامعه است.

سیاست خصوصی سازی معمولاً با آزادسازی و مقررات زدایی فعالیتهای اقتصادی جامعه ملازمه دارد.

### صاحبکار اقتصادی

صاحبکار اقتصادی که متصدی، کارفرما، کارگزار و کارآفرین نیز خوانده شده، صاحب و مدیر یک بنگاه اقتصادی است که با ذهن خلاق و رفتار پیشتانزانه خود اقدام به فعالیت اقتصادی می‌نماید و وظایف زیر را انجام می‌دهد.

- تامین سرمایه بنگاه

- سازماندهی تولید از راه خرید و ترکیب

داده‌های تولید

- تصمیم‌گیری درباره میزان تولید

براساس پیش‌بینی تقاضای آینده

- قبول خطر در انجام وظایف یاد شده

ویژگیهای مهم صاحب کار اقتصادی

عبارتند از: نوآوری، ابداع، مدیریت قوی، خطرپذیری و کنار گذاردن بخشی از سرمایه بنگاه برای مقابله با خطرات احتمالی.

### جمعیت فعال

جمعیت شاغل و جمعیت در جستجوی کار، جمعیت فعال را تشکیل می‌دهد.

جمعیت فعال با توجه به اوضاع اجتماعی - اقتصادی هر جامعه ممکن است محدوده سنی قرار دادی را دربر گیرد. مثلاً در سرشماری عمومی ۱۳۵۵ ایران، سن فعالیت از ۱۰ سال به بالاتر شروع می‌شود. در کشورهای پیشرفته جمعیت فعال ممکن است گروه سنی ۱۶ تا ۶۰ سال را دربر گیرد.

### بیکاری آشکار

آن گونه بیکاری که در آن بخشی از جمعیت فاقد هرگونه شغل و حرفه‌ای (کاملاً بیکار) هستند.

### بیکاری پنهان

آن گونه بیکاری که در آن بخشی از جمعیت دارای مشاغلی هستند که بازدهی آنان کمتر از بازدهیشان در دیگر کارهایی

باشد که می‌توانند انجام دهند.

### رشد اقتصادی

رشد اقتصادی عبارت است از تغییر در تولید ناخالص ملی یک کشور طی یک سال یا یک دوره معین، چنانچه این تغییر در جهت افزایش باشد رشد اقتصادی مثبت و در غیر این صورت رشد اقتصادی منفی بشمار می‌آید.

برای آنکه رقم رشد اقتصادی تصویری واقعی ارائه نماید، باید اثرات نوسان قیمت‌ها طی دوره از آن حذف شود در این صورت رشد اقتصادی به قیمت‌های جاری به رشد اقتصادی به قیمت‌های ثابت تبدیل می‌شود.

### توسعه اقتصادی

توسعه اقتصادی را به طور خیلی خلاصه می‌توان فرآیند تغییر ساختار تولید مادی جامعه بر اساس علوم مدرن دانست.

توسعه اقتصادی، برخلاف رشد اقتصادی که بر تغییر کمی تولید دلالت دارد، متضمن تغییراتی کیفی و اساسی در وضعیت تولید جامعه است. تغییرات کیفی تولید جامعه نیز مستلزم تحوّل بنیادی در کیفیت انسان‌هاست که از آموزش و فرهنگ مناسب توسعه و تغییر اساسی در مدیریت جامعه ناشی می‌شود.

توسعه اقتصادی متضمن رشد اقتصادی است ولی رشد اقتصادی لزوماً موجب توسعه اقتصادی نخواهد شد.

### داده‌ها

داده‌ها در هر بخش اقتصادی، مقدار و یا ارزش کالاها و خدماتی است که توسط بخش‌های مختلف اقتصادی در اختیار بخش اقتصادی دیگر قرار می‌گیرد تا همراه با عوامل اولیه تولید در فرآیند تولیدی آن بخش استفاده شود.

### ستاده‌ها

ستاده‌ها در هر بخش اقتصادی، مقدار و یا ارزش کالاها و خدمات تولید شده است که در سایر بخش‌ها به عنوان مصارف واسطه و یا مصارف نهایی به کار گرفته می‌شود.

### استراتژی جایگزینی واردات

سیاست کلان صنعتی شدن از طریق ایجاد صنایع داخلی به منظور تولید کالاهای وارداتی کشور با پشتوانه‌ای از سیاست‌های شدید حمایتی استراتژی جایگزینی واردات خوانده می‌شود.

در این راه ایجاد صنایع تولید کننده کالاهای مصرفی مناسب‌ترین راه شروع به شمار می‌آید و معمولاً پس از آن تولید کالاهای سرمایه‌ای و واسطه مورد نظر قرار می‌گیرد.

استراتژی جایگزینی واردات که استراتژی درون‌گر نیز خوانده می‌شود در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، توسط بسیاری از کشورهای در حال توسعه به عنوان بهترین راه صنعتی شدن برگزیده شد.

این کشورها امید داشتند که با تولید بسیاری از کالاها و خدمات در داخل از مقدار وارداتشان کاسته خواهد شد، وضعیت تراز پرداخت‌هایشان بهبود خواهد یافت، میزان وابستگی‌شان بسیار کم خواهد شد و در نتیجه توان اقتصادیشان تقویت خواهد گردید. اما در عمل وضعیت تراز پرداخت‌های اکثر کشورهای مذکور بهبود نیافت و از وابستگی‌شان کاسته نشد، در ازاء تغییراتی در ترکیب وارداتشان پدید آمد به طوری

که واردات کالاهای مصرفی‌شان اهمیت کمتری یافت و اهمیت واردات ماشین‌آلات، تجهیزات قطعات یدکی صنعتی و مواد خام افزون شد. پیروی از سیاست جایگزینی واردات علاوه بر این موجب کاهش انگیزه صادرات گردید و پیامدهای دیگری چون افزایش نابرابری توزیع درآمد، افزایش شتاب مهاجرت روستاییان به شهرها و مناطق صنعتی و در نتیجه حادث شدن مسأله بیکاری در شهرها به طور کلی تجارب حاصل از اجرای سیاست جایگزینی واردات نشان داده که تولیدات صنعتی ممکن است چند سالی افزایش قابل توجهی یابد، ولی کیفیت آنها به دلیل اعمال حمایت‌های افراطی و در نتیجه عدم امکان رقابت با تولیدات خارجی رو به تنزل می‌گذارد. علاوه بر این هزینه‌های واقعی تولیدات داخلی به سبب وابستگی

شدید آنها به تکنولوژی، ماشین‌آلات مواد اولیه خارجی و کمبود روز افزون ارز خارجی، رو به افزایش می‌گذارد.

### استراتژی توسعه صادرات

سیاست کلان توسعه صادرات که سیاست برون‌نگر نیز خوانده می‌شود، جانشین عمده «استراتژی جایگزینی واردات» در کشورهای در حال توسعه بشمار می‌آید. در این سیاست، توسعه صنایعی مورد نظر است که محصولاتشان جنبه صادراتی دارد.

تاکنون تعداد اندکی از کشورهای در حال توسعه از این استراتژی در روند توسعه صنعتی خود استفاده کرده‌اند و تحت شرایطی خاص، به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته‌اند. این کشورها را که از آن جمله می‌توان کره جنوبی، هنگ‌کنگ، تایوان و سنگاپور را نام برد، اصطلاحاً کشورهای نو صنعتی می‌نامند.

موفقیت این استراتژی، در گرو تدارک امکانات زیربنایی قسوی و تربیت نیروی انسانی کارآمد و البته متضمن تقبل هزینه‌های گزافی از جانب دولتهاست. همچنین تجارب کشورهای موفق حاکی از آن است که دستیابی به مواد غذایی و مواد خام ارزان نیز از ضروریات موفقیت استراتژی مذکور است.

با توجه به تجارب به دست آمده می‌توان گفت که کشورهای موفق در این راه آنهایی بوده‌اند که از سیاست تجارت آزاد پیروی کرده‌اند.

به هر روی، بحث و مجادله بر سر امکان موفقیت سایر کشورهای در حال توسعه در این راه، بین اقتصاددانان سخت در جریان است. برخی از اقتصاددانان، بیم آن دارند که اگر بسیاری از کشورهای در حال توسعه، به افزایش صادرات تولیدات صنعتی خود به کشورهای توسعه یافته بپردازند، کشورهای اخیر ممکن است با خطر بیکاری فزاینده مواجه شوند و در نتیجه به اعمال سیاست‌های حمایتی شدید علیه صادرات کشورهای در حال توسعه دست برند و تلاش‌های آنها را برای دستیابی به ثمرات سیاست توسعه صادرات خنثی سازند.